

دکتر دیوید هاوارد، یوشع-روت، جلسه ۲۳، چرا اسرائیل از خداوند جدا شد

دیوید هاوارد و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های یوشع تا روت است. این جلسه ۲۳ است، چرا اسرائیل از خداوند جدا شد.

با سلام. در این بخش ویدیویی می‌خواهم به سوالی بپردازم که مستقیماً در کتاب مقدس به آن پرداخته نشده است. ما قصد نداریم به یک متن خاص نگاه کنیم، اما این سوالی است که در پس بسیاری از کتب تاریخی بخش عمده‌ای از اسفار پنجگانه، کتاب اعداد، قطعاً کتاب یوشع و قطعاً کتاب داوود و همچنین کتب پادشاهان و تواریخ نهفته است. یعنی، این سوال به سوال یا مشکل رویگردانی مداوم اسرائیل از خدا و دنبال کردن خدایان و الهه‌های دیگر مربوط می‌شود.

چرا اینطور بود؟ چرا این کار را کردند؟ من در کلیسا بزرگ شدم. خودم از سنین پایین با خواندن کتاب مقدس بزرگ شدم. من با آموزه‌های الهی کتاب مقدس در خانه و کلیسا بزرگ شدم.

من تمام داستان‌های کتاب مقدس را می‌دانستم. من یک فریسی کوچولوی خوب بودم، چون به گذشته نگاه می‌کردم و فکر می‌کردم، آن بنی اسرائیل چقدر می‌توانستند احمق باشند؟ چرا آنها مدام به دنبال خدایان و الهه‌های دیگر می‌رفتند؟ هیچ دلیلی برای این کار وجود ندارد. آنها می‌دانستند چه چیزی درست است.

آنها می‌دانستند که اگر از خدا روی برگردانند، رنج خواهند کشید. چرا آنها سرسختانه بر ادامه این کار اصرار داشتند؟ با خودم فکر کردم، پسر، اگر من آنجا بودم، این کار را نمی‌کردم. من راه مستقیم و درست را دنبال می‌کردم.

من هرگز تسلیم آن وسوسه‌ها نمی‌شدم. چه چیزی در مورد آنها وجود داشت؟ من با بی‌خیالی به انگیزه‌ها یا دلایل پشت آن بی‌توجه بودم. من فقط خودم را فرد درستکاری می‌دانستم که هرگز چنین کاری نمی‌کند.

حالا که بزرگ شده‌ام، با نگاه به گذشته، آن را از سه زاویه می‌بینم. شروع می‌کنم به پرسیدن یک سوال متفاوت. یعنی، فکر کردن به اینکه حتماً نتیجه‌ای هم داشته است.

حتماً انگیزه‌هایی وجود داشته است. حتماً پادشاه‌هایی وجود داشته که بنی اسرائیل تصور می‌کردند در صورت ادامه و پافشاری در این نوع کارها، نصیبشان خواهد شد. این انگیزه‌ها چه بودند؟ حتی اگر می‌دانستند که قرار است مجازات شوند، باز هم به این نوع گناه ادامه می‌دادند.

فکر می‌کنم انگیزه آنها مازوخیسم نبود. آنها علاقه‌ای نداشتند که این کارها را فقط برای تنبیه خدا انجام دهند. فکر می‌کنم احساس می‌کردند که انجام این کارها لذت و پاداش دارد.

خب، چه چیزی در مورد ادیان کنعانی اطراف آنها، سیستم پرستش کنعانی، خدایان و الهه‌ها وجود داشت؟ چه چیزی آنها را به انجام این کار جذب می‌کرد؟ با نگاه به این موضوع از دیدگاه مدرن، می‌توانم سه چیز را شناسایی کنم. ممکن است موارد بیشتری وجود داشته باشد، اما من سه مورد را شناسایی می‌کنم.

مورد اول اساساً رابطه جنسی بود. رابطه جنسی در همه زمان‌ها، در همه فرهنگ‌ها، انگیزه‌ای قدرتمند است و اغلب برای خیر و صلاح بزرگ. در چارچوب یک ازدواج متعهد، این هسته یک ازدواج خوب و اوج صمیمیت و غیره است. اما، البته، این انحراف است، روی دیگر سکه

جاذبه‌های جنسی زیادی وجود دارد که بیشتر به شکل و شیوه‌ای پست و بی‌ارزش هستند. اما من فکر می‌کنم چنین انگیزه‌ای برای بنی اسرائیل وجود داشته است.

در اینجا چند مثال آورده شده است. اگر می‌خواهید با من به فصل ۲۵ سفر اعداد بروید، یک داستان بسیار آموزنده در آن وجود دارد. بنابراین، اعداد ۲۵ بلافاصله پس از داستان‌های بلعام و پادشاهی به نام بالاق می‌آید که او را برای نفرین کردن بنی اسرائیل در بیابان استخدام کرد. بالاق از آنها می‌ترسید

اما بلعام می‌آید و ارائه می‌دهد، اساساً به دلیل دست خدا که بر او سایه افکنده است، او اساساً در نهایت به اسرائیل برکت می‌دهد، نه مجازات یا نفرین. و بنابراین، بلعام به خانه می‌رود و بالاق نیز در پایان فصل ۲۴ به راه خود می‌رود. و حالا ببینید در اعداد ۲۵ آیه ۱ چه می‌گوید. در حالی که اسرائیل در شطیم زندگی می‌کرد، مردم شروع به زنا با دختران موآب کردند.

نسخه استاندارد انگلیسی که من می‌خوانم می‌گوید فاحشه. نسخه‌های دیگر می‌گویند نقش فاحشه را بازی کردن، خودفروشی کردن. اما کلمه اینجا اساساً کلمه‌ای است که ما در مورد فحشا می‌شناسیم

و قوم را دعوت کردند تا برای خدایان خود قربانی کنند. آنها سجده کردند. پس اسرائیل خود را به عدل فغور بست، آیه ۳، و خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شد.

بنابراین، این جذابیت برای معاشرت با مردمان بیگانه، در این مورد، زنان موآبی، و داشتن روابط جنسی وجود دارد. و این بخشی از معامله بود. اگر به کتاب تثنیه مراجعه کنید، ما یک متن دیگر داریم که بسیار آموزنده است.

در تثنیه فصل ۲۳، نشانه‌هایی از این موضوع داریم. بنابراین این بخشی از هشدارهای خدا به قوم خداست. و یک نکته‌ای که در آن آمده این است که هیچ یک از دختران اسرائیل نباید فاحشه فرقه‌ای باشند

نسخه من. بعضی نسخه‌ها فاحشه‌های معبد، فاحشه‌های مقدس، چیزی شبیه به این دارند. و هیچ یک از پسران اسرائیل فاحشه فرقه‌ای نخواهد بود.

بنابراین، شما اینجا تصویری از فحشا دارید که با شکل عادی آن بسیار متفاوت است. بگذارید خواندن را تمام کنم و سپس آن را جمع‌بندی خواهیم کرد. آیه ۱۸ می‌گوید که شما نباید دستمزد یک فاحشه را بیاورید و این کلمه متفاوتی است، و نه دستمزد یک سگ را به عنوان غرامت برای هیچ نذری به خانه خداوند بیاورید، زیرا اینها برای خداوند، خدای شما، مکروه هستند.

پس بگذارید کلمات پشت این را توضیح دهم. اصطلاحات مربوط به فحشا. اصطلاح رایج برای فاحشه. زونا «است».

این کلمه‌ای است که برای راحاب در یوشع فصل ۲ استفاده شده است. این نوع فاحشه‌ای است که ما امروزه در مورد آن فکر می‌کنیم، افرادی که خودفروشی می‌کنند، نوعی از انواع معمول فاحشه‌های باغی فاحشه‌ها، اگرچه بردگی جنسی و فحشای جنسی هستند، اما فحشای برده‌داری کمی متفاوت از چیزی است که امروزه داریم. بنابراین این اصطلاحی است که در آیه دوم، در آیه ۱۸، استفاده شده است.

مزد یک فاحشه را نیاور. آن یکی است. اما اولین مورد در آیه ۱۶، آیه ۱۷، فاحشه زن فرقه، یک کدیشا است

و فاحشه فرقه مردانه، کادش است. و هر دوی این اصطلاحات با کلمه کادوش در زبان عبری مرتبط هستند و کادوش کلمه مقدس است. این کلمه بارها و بارها در لاویان در مورد تقدس، دوری از گناه و فساد و غیره استفاده شده است.

بنابراین، این خود یک انحراف و فساد در معنای مقدس بودن است. اما اینها فاحشه‌هایی هستند که به نوعی با زیارتگاهی که ظاهری مذهبی دارد مرتبط هستند، جایی که آنها به فحشا می‌پردازند، اما با نوعی مجازات مذهبی. ما به دین کنعانی فکر می‌کنیم، و دین کنعانی بسیار جنسی است.

همسر ال، خدای بزرگ کنعانیان، اشیره نام داشت. و ما از نظر باستان‌شناسی، مجسمه‌هایی از اشیره و همچنین حکاکی‌های کوچکی از او را کشف کرده‌ایم که در آنها با سینه‌ها و باسن و غیره، به شدت جنبه جنسی به او داده شده است. بنابراین، او یک شیء است، یک شیء جنسی در اصل.

بخشی از این فحشای فرقه‌ای، به نظر می‌رسد ایده پشت آن این باشد که، همانطور که بارها گفته‌ایم، بعل، خدای بزرگ و والای کنعانی‌ها بود که باران را می‌فرستاد، و او خدای باروری بود. و اشیره نیز همینطور بود مادرش نیز یک الهه بود. و اگر می‌آمدید، قربانی‌هایتان را می‌آوردید، نذوراتان را به معبد می‌آوردید، و با این کار امیدوار بودید که بعل را خشنود کنید یا بعل یا اشیره را راضی کنید، و سپس بعل باران را برای آبیاری محصولات شما می‌فرستاد، و شما سالی پر بار و پر رونق خواهید داشت.

اگر این کار را می‌کردید، آنگاه این فاحشه‌های فرقه‌ای، چه مرد و چه زن، وجود داشتند. آنها در دسترس بودند تا بتوانید با آنها وقت بگذرانید، و این بخشی از پاداش آوردن نذورات خود به محراب بود. بنابراین خود رابطه جنسی، خود فحشا، در خود فرهنگ، در تار و پود دین کنعانی ریشه داشت، و به نوعی، یک پوشش مذهبی به آن داده شده بود تا به نوعی آن را مشروع جلوه دهد.

در لحظات هوس‌انگیزم، به بنی اسرائیلی فکر می‌کنم که شاید به محله‌ها می‌رفتند و در خانه‌ها را می‌زدند، و شاید سه‌شنبه شب‌ها شب شهادت در محله بود، در خانه‌ها را می‌زدند و می‌گفتند، بیابید از یهوه پیروی کنید، از خداوند با ما پیروی کنید. و کنعانی‌ها پاسخ می‌دادند، شوخی می‌کنید، ببینید ما در کلیسا چه می‌کنیم، و می‌توانیم خیلی بیشتر از شما خوش بگذرانیم. بنابراین، آن انگیزه وجود داشت، آن کشش وجود داشت، جایی که وجود داشت، رابطه جنسی بخشی جدایی‌ناپذیر از پویایی مذهبی در فرهنگ‌های اطراف اسرائیل بود، و مطمئناً در خود اسرائیل نبود.

به نظر من، دومین عامل جذب بنی اسرائیل برای دور کردن آنها از پرستش خدای حقیقی، پول و مادیات بود و به یاد دارید که بنی اسرائیل وقتی از بیابان، از مصر بیرون آمدند، ۴۰۰ سال برده بودند، جز گله چیز زیادی نداشتند، و هنگام خروج مقداری از دارایی‌های مصریان به آنها داده شد، اما وقتی در بیابان بودند، واقعاً نمی‌دانستند چگونه زنده بمانند، نمی‌توانستند آب پیدا کنند، نمی‌توانستند غذا پیدا کنند، ۴۰ سال سرگردان بودند، آنها مردمی کوچ‌نشین بودند، خانه یا دارایی دائمی بزرگی نداشتند، و وقتی در اعداد ۱۳-۱۴ جاسوسان را به سرزمین کنعان فرستادند، از آنچه در کنعان دیدند، شگفت‌زده شدند. این مربوط به دوران برنز میانی، حدود دهه ۱۴۰۰ میلادی، بوده است و در آن دوره، از نظر باستان‌شناسی، دیده شده است که این دوره زمان کارهای عمومی بزرگ، ساختمان‌های عمومی، ثروت شخصی فراوان است و خانه‌ها از نظر باستان‌شناسی کشف شده‌اند، و بنابراین بنی اسرائیل، ما آن تصویر را در کتاب مقدس تأیید می‌کنیم، جایی که بنی اسرائیل وارد شدند و کنعانیان را دیدند و گفتند، ما برای آنها مانند ملخ هستیم، و این شهرهای بزرگ با

دیوارهای بلند وجود دارد، و ما نمی‌توانیم در آنجا پیروز شویم، ما از آنها وحشت داریم. و ما این را در کتاب مقدس نیز می‌بینیم، جایی که خدا با آنها در مورد زمانی که وارد سرزمین می‌شوند صحبت می‌کند، و من فکر می‌کنم نگاه کردن به این متن در تثنیه فصل ۶ مفید خواهد بود، ما تمام این سخنرانی‌ها را در مورد یوشع و داوران تماشا کرده‌ایم، ما چند بار به این متن رسیده‌ایم، اما یک بار دیگر به آن نگاه خواهیم کرد.

در تثنیه فصل ۶، خدا به آینده نگاه می‌کند، و موسی در آیات ۱۰ و ۱۱ از طرف خدا صحبت می‌کند می‌گوید: «وقتی خداوند، خدای شما، شما را به سرزمینی که برای پدرانتان، ابراهیم، اسحاق و یعقوب، قسم خورد که به شما بدهد، بیاورد، با شهرهای بزرگ و خوبی که شما نساخته‌اید، خانه‌هایی پر از چیزهای خوبی که شما پر نکرده‌اید، حوض‌هایی که شما حفر نکرده‌اید، تاکستان‌ها و درختان زیتونی که شما نکاشته‌اید، و سپس ادامه می‌دهد: «بنابراین آنچه خدا می‌گوید این است که شما وارد سرزمین بزرگی می‌شوید که با شیر و عسل جاری است، همانطور که در جای دیگر می‌خوانیم، و با این شهرهای بزرگ و این ثروت عظیم، شما این چیزها را ندارید، اما کنعانی‌ها دارند. و بنابراین، من تصور می‌کنم، دوباره، بنی اسرائیل ممکن است درهای کنعانی‌ها را بزنند و بگویند، بیایید خدای ما را پرستش کنید، و ما این بیگانگان فقیر هستیم، اما فکر می‌کنیم شما باید از خدایی که ما می‌پرستیم پیروی کنید، و کنعانی‌ها پاسخ می‌دهند، شوخی می‌کنید، ببینید بعل برای ما چه کرده است.

ما این همه ثروت داریم، شما هیچی ندارید. پس، از بعل پیروی کنید و چیزهایی به دست خواهید آورد. به نظر من، جاذبه‌ی مادی‌گرایی بخشی از چیزی است که اینجا در این کتاب‌ها اتفاق می‌افتد.

سومین چیزی که فکر می‌کنم می‌توانیم تشخیص دهیم، فشار همسالان است و ما چندین نمود از آن را می‌بینیم. اگر به یاد داشته باشید، چیزی که می‌بینیم این است که سال‌ها بعد، وقتی اسرائیل درخواست پادشاه کرد، گفتند ما هم مثل همه ملت‌ها پادشاهی می‌خواهیم. ما نمی‌خواهیم بیگانه باشیم، نمی‌خواهیم تنها کسانی باشیم که پادشاهی از نوع خاص ندارند.

پادشاه جنگجوی بزرگ ما بود. ما می‌خواهیم مثل بقیه باشیم، بنابراین این فشار برای شبیه دیگران بودن قطعاً وجود دارد. و حتی در نحوه‌ی به تصویر کشیدن یا نکشیدن خدای اسرائیل، به یاد دارم که در فرهنگ کنعانی، فرهنگ مصری، بابلی، آشوری و هر جای دیگر، مجسمه‌ها و پیکره‌های چشمگیری، از کوچک گرفته تا بزرگ و سر به فلک کشیده، تصاویر و تندیس‌هایی از خدایان و الهه‌هایی که این فرهنگ‌ها می‌پرستیدند وجود داشت.

و برای اسرائیل، هیچ چیز. آنها خیمه اجتماع را داشتند، قدس الاقداس را داشتند، صندوق عهد، کرسی رحمت را داشتند، اما کرسی رحمت خالی بود. هیچ تصویری از خدای آنها وجود نداشت.

آنها نمی‌توانستند او را تصور کنند، و بنابراین شاید کمی از این نظر با همسایگان‌شان ناهماهنگ بودند. آن نقطه کانونی وجود نداشت که بتوانند بگویند، این تصویر خدای ماست. در همین راستا، یک کشف بسیار جالب در اواسط دهه ۱۹۷۰، حدود سال ۱۹۷۵، یک حفاری باستان‌شناسی انجام شد.

اینجا را می‌بینی؟ در شمال شرقی صحرای سینا، جایی که نام کوینتیل وجود داشت. آجرود، و باستان‌شناسان در کوینتیل مشغول حفاری بودند. آجرود. این شهر به اندازه‌ای در شمال قرار داشت که به نظر می‌رسید بخشی از قلمرو جنوبی یهودا باشد. باستان‌شناسان هنگام حفاری در آن، به دلیل شباهت‌های سفالی با سایر مکان‌ها و عوامل دیگر، کشف کردند که می‌توانند قدمت آن را به قرن هشتم پیش از میلاد، یعنی دهه ۷۰۰ میلادی، نسبت دهند.

و این درست در اواسط دوره پادشاهی‌های بنی‌اسرائیل است. این زمان، زمان عاموس، اشعیا و هوشع است و اینجا در جنوب یهودا قرار دارد. بنابراین، این مکان به دلایل مختلف، یک مکان بنی‌اسرائیلی است و شواهد نیز به این موضوع اشاره دارند.

و آنها خانه‌ها، و سفال‌ها و زیورآلات و اموال و غیره را کشف کردند. آنها همچنین چیزی را که به نظر می‌رسید محل عبادت باشد، کشف کردند و روی برخی از قطعات شکسته سفال، تصاویر و کتیبه‌های خاصی و گاهی حتی روی قسمت‌هایی از دیوار نقاشی شده بود. و چندین کتیبه یافت شد که بسیار جالب بودند زیرا از یهوه، خدای حقیقی، خدای اسرائیل، نام می‌بردند.

اما آنها به شیوه‌ای از یهوه یاد کردند که کمی متفاوت از چیزی است که ما در کتاب مقدس درباره او می‌خوانیم. و همچنین، یک تصویر، نقاشی جذاب وجود داشت که تا حدودی شبیه این است. این نقاشی وحشتناک من است.

را جستجو کنید Quntillit می‌توانید در اینترنت جستجو کنید و نقاشی واقعی را پیدا کنید. فقط کافی است اجرود، و شما آن را پیدا خواهید کرد. اما اساساً اینجا سه شخصیت وجود دارد، دو نفر اینجا ایستاده‌اند و یکی اینجا نشسته است.

اینها به نظر قوی‌تر و قدرتمندتر می‌آیند. باستان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که اینها احتمالاً پیکره‌های گاو نری هستند که اینجا ایستاده‌اند. و این یک پیکره زنانه است، یک گاو ماده که اینجا نشسته است.

و گاو در حال نواختن چنگ است. خوب، این تصویر است. این گاو نر یک سریند، نوعی کلاه، از نوع خاص، و تزئیناتی دارد که در مصر برای خدای به نام بس بسیار رایج است.

بنابراین، نباید ما را متعجب کند که در مکانی در جنوب یهودا، شمال شرقی سینا، تأثیرات مصری در این منطقه وجود داشته باشد. و بنابراین، آنها با انجام این کار به یکی از خدایان مصریان احترام می‌گذاشتند. اما کتیبه‌ای نیز بالای این نقاشی وجود داشت.

این کتیبه به زبان عبری از راست به چپ نوشته شده است. این زبان عبری خوبی برای آن دوره است. به نظر می‌رسد شبیه عبری کتاب مقدس است.

من کتیبه را به انگلیسی خواهم نوشت، و این چیزی است که در آن نوشته شده است. در آن نوشته شده است که من تو را به نام یهوه سامره و به نام اشراهش متبرک می‌کنم. این یک کشف نفس‌گیر است.

در چندین سطح مختلف، یکی این است که از یهوه سامری نام می‌برد، و این به نوعی منعکس کننده‌ی شیوه‌ای از نگاه به نظام‌های مذهبی در خاور نزدیک باستان است، جایی که شاید چهار سطح مختلف از خدایان و الهه‌ها وجود داشت، که در بالاترین سطح، پانتئون مصر، پانتئون بابل در کنعان و جاهای دیگر را داشتید. یک یا دو، معمولاً دو یا سه یا چهار تا از خدایان برتر. در بابل آشوری، بالاترین خدا مردوک بود.

در کنعان، معمولاً بعل بود. پدرش، ال، شخصیتی نسبتاً منزوی داشت. در مصر، رع، رع یا اوزیریس.

خب، این بالاترین سطح بود. بعد از آن، سطح بعدی خدایان وجود داشت که در آن خدایان متعددی وجود داشتند، معمولاً از بخش‌های مختلف طبیعت. خدایان دریا، رود نیل، صحرا، کوه‌ها، نهرها و همه چیزهای مختلف، گاوها و همه بخش‌های مختلف طبیعت وجود داشتند.

به نظر می‌رسد سطح سوم، خدایان و الهه‌های مکان‌های خاص هستند، و بنابراین ما قبلاً به این موضوع نگاه کرده‌ایم که بنی اسرائیل خود را به بعل فغور در فصل ۲۳ از سفر اعداد مرتبط می‌دانستند. بنابراین، بعل، خدای متعال است، اما مظاهر محلی از آنها وجود خواهد داشت. ما در مورد بعل زافون، کوهی در شمال می‌دانیم.

و بنابراین، این یکی از یهوه سامره نام می‌برد. اشاره دیگری در کتیبه دیگری از کونتیل وجود دارد. آداشو به یهوه تموآنی، تموآنی. و بنابراین، این تصور که یهوه فقط یک خدا نیست، بلکه از مکان‌های مختلفی است. به نوعی نوعی دیدگاه‌های بت‌پرستانه را به اینجا وارد می‌کند.

اما دومین نکته‌ی شگفت‌انگیز در این مورد این است که به یهوه و اشراهش اشاره می‌کند، اشره همسر ال در اساطیر کنعانی است. بعل همسری به نام عشتاروت یا اشتاروت داشت. و حالا ما آن را اینجا داریم.

و سپس همانطور که باستان‌شناسان به این موضوع نگاه کرده‌اند و شروع به تجزیه و تحلیل متن با نقاشی کرده‌اند، معمولاً به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه در اینجا داریم خدای بست از مصر است، اما اشیرا الهه ای از کنعان است. بنابراین، ما در اینجا تأثیر مصری داریم، اما در این مکان اسرائیلی تأثیر کنعانی نیز داریم. و احتمال دارد آنچه در اینجا داریم تصویر یک گاو نر باشد.

و این یهوه است. گاو نر شخصیتی قوی، مظهر قدرت و نیرو است. پس چرا به یهوه چنین نمادی ندهیم؟ و گاو ماده، اشره، همسر او خواهد بود.

قونتیل در اشروود زندگی می‌کردند پیرسیم، آیا شما پرستندگان یهوه هستید؟ آیا از یهوه پیروی می‌کنید؟ فکر می‌کنم پاسخ، البته، این خواهد بود. ببینید، ما برای او دعا می‌کنیم. ببینید، ما عکس او را روی دیوار داریم.

اما ما می‌خواهیم به نوعی کاربرپسند و جوینده‌پسند باشیم و به همسایگانمان دسترسی داشته باشیم، و بنابراین به او همسر داده‌ایم. و این باعث می‌شود که با فرهنگی که در کنعان در آن هستیم، سازگارتر باشد. بنابراین، به نظر من، این یک نمونه نفس‌گیر از چیزی است که بارها و بارها در مورد تلفیق ادیان در کتب انبیا می‌خوانیم.

تلفیق‌گرایی به معنای ترکیب و ادغام سنت‌ها، اعمال و باورهای مذهبی مختلف است. گاهی اوقات این موارد نسبتاً بی‌ضرر هستند و واقعاً مسئله‌ی بزرگی نیستند. گاهی اوقات آنها ادغام اساسی چیزهایی هستند که اساساً با یکدیگر متضاد هستند.

اما پیامبران بارها و بارها اسرائیل را محکوم می‌کنند و به خدایان و الهه‌های دیگر روی می‌آورند. کتاب داوران نیز این را نشان می‌دهد. ما از طریق دیدگاه پیامبران و نویسندگان کتاب مقدس از این موضوع مطلع شده‌ایم.

با کشف کونتیل در اشروود، ما برای اولین بار التقاط‌گرایی را از دریچه چشمان مردمی که آن را به کار می‌بردند، دیدیم. آنها با افتخار می‌گفتند، بله، این خدای ماست، این همسر اوست، او خدایی قدرتمند است، او یهوه سامره است. بنابراین، فشار همسالان.

مردم در کونتیل در اشروود تسلیم فشار همسالان خود می‌شدند. بدون شک، همین انگیزه در طول قرن‌ها در جاهای دیگر در سراسر اسرائیل و یهودا یافت می‌شد، اما ما به تازگی این یافته چشمگیر را در اواسط دهه ۷۰ میلادی در کونتیل در اشروود از نظر باستان‌شناسی کشف کرده‌ایم که به نوعی این موضوع را به ما نشان می‌دهد. ممکن است در آینده موارد دیگری نیز یافت شود، اما این قطعاً یکی از آنها برجسته است.

خب، با وجود نارضایتی خدا از این موضوع، چه جذباتی برای پیروی از خدایان و الهه‌های دیگر وجود داشت؟ رابطه جنسی برای بسیاری از مردم، لذت‌بخش‌تر از نداشتن رابطه جنسی است. پول، مادی‌گرایی

کنعانی‌ها خیلی ثروتمندتر بودند. فشار همسالان. بیایید مثل ملت‌های اطرافمان باشیم.

بنابراین، اینها برخی از چیزهایی هستند که به نظر من مردم را از خدای حقیقی دور و بر آنها را تشویق می‌کردند، و این پس‌زمینه‌ای است که ما در سخنرانی‌ها و بحث‌های بعدی کتاب داوران به آن می‌پردازیم. این موارد را در نظر داشته باشید، زیرا فکر می‌کنم آنها وجود دارند. من دوست دارم با کلاه عجیب و غریب به کلاس‌هایم بگویم که این اتفاق بیش از ۳۰۰۰ سال پیش رخ داده است.

بنابراین، ما خوش‌شانسیم که امروز با این وسوسه‌ها مشکلی نداریم. آن زمان همه این مشکلات از خودشان بود. اما جدای از شوخی، البته، می‌بینیم که ذات انسان واقعاً تغییر نمی‌کند.

و طبیعت انسان در هر زمان و هر مکانی، جذب این نوع چیزها می‌شود. و متأسفانه، فکر می‌کنم امروزه در بسیاری از نقاط جهان، قطعاً در غرب، و گاهی اوقات در سایر نقاط جهان، با آن روبرو هستیم. وسوسه‌های بزرگی در امتداد هر سه این مسیرها وجود دارد.

و این بخشی از وظیفه ماست که ابتدا پادشاهی خدا و عدالت او را بجوییم و نه این چیزهای دیگر.

این دکتر دیوید هاوارد است که در حال تدریس در مورد کتاب‌های یوشع تا روت است. این جلسه ۲۳ است، چرا اسرائیل از خداوند جدا شد.